

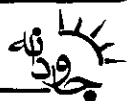
لطائف القضا

مؤلف

دکتر عیسی کشوری

(انتشارات جماران)

سرشناسه	: کشوری، عیسی، ۱۳۴۲-
عنوان و نام پدیدآور	: لطایف القضا/ مؤلف: عیسی کشوری.
مشخصات نشر	: تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۳۵۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۳۰۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: کشوری، عیسی، ۱۳۴۲-- خاطرات
موضوع	: قضاوت-- لطایف و حکایات
موضوع	: قضاوت-- شغل-- لطایف و حکایات
موضوع	: دادگاه‌ها-- ایران-- لطایف و حکایات
موضوع	: قضایان-- ایران-- خاستگاه
موضوع	: کلمات قصار فارسی
رده‌بندی کتبی	: ۱۳۹۲ ۶ل ۵ک/ ۳۹۶۳ PIR
رده‌بندی یوئی	: ۸۴۷/۶۲
شماره کتاب‌نویسی	: ۳۴۰۹۰۸۹



عنوان کتاب: لطایف القضا
 مؤلف: دکتر عیسی کشوری
 ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل
 ناظر فنی: امین لشکری
 ویراستار: مرضیه جوان‌پور
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۳
 قطع و تیراژ: رقعی، ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۳۰۶-۳

تلفن: ۰۶۶۴۸۲۸۳۰-۹-۶۶۴۸۶۱۱۵-۲۱ [http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)
 email:// Info@junglepub.org ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای مؤلف محفوظ است»

فهرست مطالب

سخن مؤلف

تذکره

بخش اول: حکایات ۱

بخش دوم: اطاعت ۲۱۵

بخش سوم: تنبیقات ۲۸۵

فهرست منابع ۳۲۷

www.ketab.ir

سخن مؤلف

قلم را به سوی تو نشانه نکرده‌ام؛ این خامه آتشین مرز نمی‌شناسد و با تراش سخن و تذلیل روان نمی‌رود و با اکسیر اسارت رنگ نمی‌دهد... وقتی رسیده‌ایم به مرزی که نه مجال بغض کردن می‌ماند نه فرصت گریز... نه با یکجا متحداً می‌شویم نه از ثروتها دل می‌بریم... نه به جانها بها می‌دهیم نه از عابران مرده‌ها عیادتی می‌کنیم... نه خدا را در مساجد و معابد می‌یابیم نه عقل را در محرمات... گویی عدالت، دروغ فاحشی است که عاشقانه به هم تحمیل می‌شود... انگیزه نابی است که به زحمت به خود می‌خورانیم، در سرزمینی که محرومان را به صلب می‌کشیم، شعار آزادی سر می‌دهیم... اینجا هر کلاهی، کلاه شرعی است و سرها از هزاران سؤال معقول و پاسخ پوچ سنگین است. اینجا زندگی را یگار است و برای مردن دستور می‌گیریم و ملتسمانه بهای گران می‌پردازیم. اینجا نبصره‌های تریاکی خود، اکسیر اسارت و عشق تصویب می‌کنیم و جان زندگان را به آرامی می‌ستانیم... از هیچ معما می‌سازیم و هر معما را تبرئه می‌کنیم... استی این همه زخم، قصاص کدامین درد موروثی است که از نطفه گوشتی آدم و حوا، این چنین شیطانی متولد شدند که از ظلم اشباع نمی‌شوند و می‌جستند بایستی هستند که مرده گان خواب می‌بینند، موشان کور نظر می‌دهند و درنشین تصویب می‌کنند با منفعت مهر می‌شود و با تاراج، امضا... آن وقت که جان و حیوان و درخت را می‌شماریم و با امنیت مهر می‌کنیم، اما استثمار، بخری، حق کشی، اسارت و نادانی و صدها زخم دیگر را وصله دلخوشی و بخیه سازندگی می‌زنیم؛ حاشا که در این پارگیها همه شریکیم و از سقوط یکدیگر، حقانیت خود را به اثبات می‌رسانیم و خدا و قرآن را آلت اهدافمان و سخره

ترقی مان کرده ایم... به انتقادهای، لکه تحقیر و به نوشته‌ها، مهر برابر با اصل می‌زنیم؛ هرگز اعتراف نکردیم، هر چه حکم قطعی دادیم سفسطه بود، چه مشت و لگدها که به نام اتیان سوگند به قرآن نزدیم، چه کاغذ بازبها که نکردیم، نگفتیم تجدید نظر واقعی در این دنیا اصلاً ممکن نبود... به نادانیمان چه فخرها که نفروختیم با ثروتمان چه خداها که نخریدیم چه برده‌ها که نبراندیم...

همه دُنیای کنیم با اُشَره و علاقه و تمق... و مرگ هم اُصلاح نمی‌شویم... خستیم با این و مزاح بر کرده‌هایمان بیندیشیم و با آینه خنده، سیاهی گناهان را صیقل دهیم، از نگاه افتادگان، به ایستادگی مان حق دهیم از زبان مظلومان بمانند قانون باشیم و شادی و عشق را به جامعه بیمارمان تزریق کنیم... شب فضا ظهور مهدی موعود همین باشد؛ تمثیل سی مرغی که سیمرغ واقعی خوششان آمدند در جامعه‌ای که هرکس عدالت و عشق را ارمغان دیگری کند، گویی می‌شود و می‌شوند و مهدی موعود هر لحظه زاییده آدمیانی است که کیمیای هر سیمرغ را از ماندگاری را در گنج درون خود یافته‌اند.

عسی کشوری

www.ketab.ir

مقدمه

کتاب حاضر با هدف نقد و ایجاد انگیزه اصلاح رویه‌های قضایی ایران به زبان ساده نگاشته شده است در این کتاب، نقص و نقض قوانین قضایی به هر شکل در کشورمان به صورت طنز و حکایت بیان می‌شود؛ چرا که طنز وسیله‌ای جهت اصلاح امور جامعه و عریانی اجساد است که زخمشان با لباس، دیده و آهشان با گوشت پوشیده نمی‌شود و ما را برای نیل به هدف غایی ایجاد عدالت در قانون مدد می‌کند. سفایده منابع موثق دنیا، کشور ایران جزء جوامع افسرده به شمار می‌آید در حالی که وجه نشاط مهمترین عامل پیشرفت کشورها و ایجاد انگیزه اتحاد و همکاری در جهان است و به یقین جامعه افسرده و گریان هرگز پویا نیست و عقب مانده خواهد بود؛ باید تفسیر نادرست از مذهب نیز، یکی از عوامل مؤثر در سیر نزولی ما و بیرونشافتن از آن است، چرا که مذهب را به صورتی ناقص و مجمل تفسیر کرده‌ایم و عملاً به خرافات و اجبار متوسل شده‌ایم به عنوان مثال؛ شهید مرتضی مطهری درباره حسرت علی (ع) می‌گوید: «او همیشه شاد و بذله گو بود، یک بار شورایی تشکیلاتی علیه او انتقاد کردند که او صلاحیت حاکمیت را ندارد». در حالی که در ذهن مردم جامعه، علی (ع) را مردی جنگجو، شمشیر به دست، بالای سر شیری به تکیه بر شمشیرش در صورتی که همه آن جنگها، موضوعی تحمیلی به علی (ع) بود. ایشان در نهج البلاغه می‌فرمایند: «المؤمن بشره فی وجه» و پیامبر (ص) فرمودند: «شیعه من شایع علی»؛ بنابراین آیا شیعه واقعی می‌تواند افسرده و غمگین باشد و عوامل شادی و اسباب خنده و مزاح مردم را توقیف و محکوم و محبوسشان کند؟ آری... اگر قرار است عدالت را با درد و اجبار تحمیل و اجرا کنیم، بهتر است مصوبان همان قوانین، مجریان و ضابطین مقدم باشند؛ مسلماً به این نتیجه

خواهیم رسید که اجرای صحیح قوانین در گرو اصلاح آراء قضایی است؛ چرا که قانون در پشت پرده و آراء قضایی؛ مستقیماً با مردم و زندگی شان مرتبط است. در تاریخ کشور ما مجریان عادلانی چون کریم خان زند، انوشیروان، امیرکبیر... همیشه در دل و جان مردم تحسین برانگیز و ارزشمند بوده‌اند و ظالمان و اهل تملق حتی با گذشت زمان در یادها منفور و ملعون‌اند.

نگارنده این مطالب به عنوان کسی که سالها به قضاوت و تدریس پرداخته بر این باور است که بسیاری از قوانین نه تنها فضای مطلوب اجرای عدالت را فراهم نمی‌کنند بلکه موجب ظلم و تبعیض و تضییع حقوق مردم نیز می‌شود و گاهی برای مجاوزان و فرصت‌طلبان انگیزه فعالیت بهتری ایجاد می‌کند در نتیجه به نوعی فضیلت غرض می‌شود که بی‌تردید تعلل مسئولین محترم جهت رفع موانع و اصلاح قوانین در این قضیه قابل بخشش نیست؛ چرا که هر لحظه جان و مال و آبرو و اعتباری که با رشوه و رابطه هم غالب نمی‌شوند، تضییع و تباه می‌گردد.

یقیناً برخی قضات کشور به سمتند سرافت و ایمان خود پایبندند و آراء عادلانه و تصمیمات ارزشمندشان در همین دستگاه قضایی کشور با صدها جلد کتاب هم قابل گردآوری نخواهد بود؛ اما غرض و کنکاش طنز با اوست که استثناست، معلول است و توجه جامعه نسبت به آن جلب می‌شود و میزان تخریب و تحریم ایجاد می‌توسط همان یک نفر چه بسا اصلاح کاری و استحکام شخصیتی دیگران را نیز مردود کند.

در نتیجه معلولیت آراء و نحوه اجرا و تناقض اخلاقی و اخلاقیاتی قضات و مجریان، مسلماً فضای دادگاهها و دستگاههای اجرایی از کانونهای ناامنی، خشک و بی‌روح می‌شود، متأسفانه اکثر قضات و مجریان عدالت با بی‌پایه‌هایی عبوس، رفتار نادرست و تحقیرآمیز و کاربرد الفاظ رکیک نه تنها سرمشق دیگران نیستند؛ بلکه ذهنیت مراجعین را نسبت به دستگاه قضایی تخریب کرده و شخص را دچار یأس و بی‌پناهی می‌کنند، مردم از قضات و مستندات

و... سلب اعتماد کرده و گاه‌هاً برای فرار از بی‌گناهی و تهمت به دروغ و پرخاش متوسل می‌شوند.

هدف مؤلف از تألیف این کتاب؛ تحقیر و توهین به هیچ شخص و لباس و زمانی نیست و کاربرد نام مستعار برای اشخاص و تغییر زمانها گویای صداقت است؛ تنها بهانه‌ای جهت انتقال مفاهیم اصلی، اصلاح عملی قوانین و رفتار، انون‌گذاری است که یقیناً در پیشرفت جامعه و تلطیف فضای دله‌ها و ایجاد محیطی شاد و زنده بسیار مؤثرند.

کتاب حاضر در سه بخش تشکیل شده است:

بخش اول شامل بر حکایاتی پراکنده با حضور مستعار اشخاصی چون؛ قاضی انارکی، جناب علی قوجعلی و بیوک‌خان که اعمال و گفتارشان، زبان حال دل‌دردمندان امریکا، کشورمان است. بخش دوم، شمه‌ای از خاطرات شخصی و تجارب مؤلف در باب و بخش سوم در واقع پیوست و تعلیقی بر کل مطالب کتاب است که با عنوان «تالیقات» مجموعه‌ای از جملات حقوقی و اخلاقی، ضرب‌المثلهای مرتبط و معانی عبرت‌آموز را جهت بسط و افزایش تأثیر مطالب در خود می‌گنجاند.

لازم به ذکر است که جمیع حکایات این کتاب، تنها یک قصه از قصه‌های هزار و یک شب ایران ماست؛ لذا خالی از نقص و ببری از اشتباه نیست و تنها با اظهار نظر و انتقادات سازنده شما خوانندگان عزیز اصلاح می‌شود در پایان لازم می‌دانم از جناب دکتر کاتوزیان، استاد و مشوق بنده تشکر و قدردانی نمایم.

h. khvari. ir@gmail. com

عیسی کثوری